محبت ومهرورزى

جواد محدّثى

جايگاه محبت

علاقه و محبت به كسى يا چيزى, از قوى ترين عوامل تلاش و انگيزه ساز در انسان, به خصوص نوجوانان و جوانان است. وابستگى هاى عاطفى, انسان را فعّال تر و با انگيزه تر مى سازد و تا سرحد فداكارى و پذيرش خطرات مى كشاند. پيدايش محبت در دل, موجب تحوّل و دگرگونى انسان مى شود. آدمى همواره به سوى فكر و فرهنگ محبوب كشيده مى شود. شهيد مطهرى مى نويسد:

(عشق و محبت, سنگين و تنبل را چالاك و زرنگ مى كند و حتّى از كودن [ (احمق) ], تيزهوش مى سازد… عشق است كه از بخيل, بخشنده و از ناشكيبا و بى طاقت, متحمّل و شكيبا مى سازد. اثر عشق است كه مرغ خود خواه را كه فقط به فكر خود بود دانه اى جمع كند و خود را محافظت كند, به صورت موجودى سخى در مى آورد كه چون دانه اى پيدا كرد, جوجه ها را آواز دهد…. )1

از آن جا كه تأثير محبت در زندگى فردى و اجتماعى و ايجاد تحوّلات مهم, بسيار است, جا دارد كه راجع به آثار آن جست و جو و كاوش بيشترى صورت گيرد و نمونه هاى ويژه از زندگى اشخاص آورده شود.

مهرورزى به خوبان

وقتى دل, جاى محبت است و محبت هم سازنده, تغيير دهنده و محرك است, چه بهتر كه اين محبت و علاقه, در مسير سالم و در باره اشخاص و موضوعات ارزشمند باشد تا دوستدار را در مسير كمال قرار دهد. محبت نسبت به هر كس, در واقع پيوند زدن دل و زندگى و سرنوشت با اوست. چه بهتر كه اين پيوند با افراد شايسته باشد, تا سرنوشت مطلوبى براى انسان رقم بزند. سعدى گويد:

سعدى اگـر عاشقى كنـى و جوانى عشق محمّد بس است و آل محمّد2

از اين رو قرآن كريم, (اهل بيت) را به عنوان شايسته ترين انسان ها براى مهرورزى و ابراز علاقه و دوست داشتن معرّفى مى كند و حتى اجر و مزد رسالت حضرت رسول(صلى الله عليه و آله)را هم, مهرورزى و مودّت به خاندان ايشان مى داند: (قل لا اسئلكم عليه اجراً الاّ المودّة فى القربى; 3 اى پيامبر! بگو: من از شما هيچ مزدى نمى خواهم. مگر دوستى و محبت به خويشاوندانم). اين, بالاترين محبتى است كه سفارش دين و كتاب آسمانى است. البته ثمره آن هم به خود ما بر مى گردد, زيرا خود ما از اين دوستى و مهرورزى به خاندان پيامبر, چه در دنيا و چه در آخرت, بهره مى بريم.

مبناى دين ما, بر اساس حب ّ (دوستى) و بغض (دشمنى) است; دوستى خدا و رسول و ائمّه و مؤمنان و پاكان, و بغض و كينه ورزى به مشركان و كافران و ظالمان و مستكبران و دشمنان انسانيت. پس ارزش هر محبتى, از راه محبوب مشخص مى شود. قدر وقيمت هر كس به تناسب محبوب ها و معشوق هاى اوست. به گفته روان شناسان: (دوستى هاى ايام جوانى و دوران بلوغ, در نتيجه تجاربى كه به وجود مى آورند, در توسعه [ و رشد ]نقش مهمى بازى مى كنند. همچنين اين دوستى ها, مولّد دوستى هاى عاقلانه ترى در زمان كمال و بزرگى مى شوند. )4

w محبت و الگو

انسان هميشه در پى الگوست تا از آن الهام بگيرد و خود را همسان او قرار دهد. كشش به سوى الگوها و قهرمان ها, در سرشت انسان نهاده شده و در نوجوانان و جوانان بيشتر است. از اين رو, شناخت الگوها و معرفى آنها, هم مى تواند اين خلأ روحى و كشش روانى را پر كند و پاسخ دهد و هم در ايجاد روحيّات والا و كمالات انسانى و ارزش هاى اخلاقى در افرادى كه به دنبال الگو هستند, مؤثّر باشد. روان شناسان مى گويند: (فرد, به ويژه در نوجوانى, همواره به قهرمان توجه دارد و حتى اگر بدان دسترسى نداشته باشد, در عالم خيال و رؤيا از بسيارى جهات او را الگو و مدل رفتار خويش قرار مى دهد. )5

هيچ مكتبى به اندازه اسلام, داراى (الگوهاى خوب) و (قهرمانان ارزشى) نيست. قرآن كريم هم پيوسته از انسان هاى نيك, گروه هاى صالح و امت هاى شايسته ياد مى كند و آنان را مى ستايد تا به عنوان الگوهايى مناسب از آنان استفاده شود. قرآن حتى سعى مى كند امت مسلمان را هم براى همه ملّت ها به عنوان نمونه و الگو معرفى كند.

نظارت بر محبت

به دليل اين كه محبت در سرنوشت و سعادت ما مؤثر است, بايد به آن و گرايش هاى خودمان حسّاس باشيم, دل را به روى هر نوع محبت و هر محبوبى باز نكنيم, هر كس را به عنوان دوست و مورد علاقه انتخاب نكنيم, مهر پاكان را در دل بپرورانيم و با شناخت الگوهاى كامل و افراد شايسته مهرورزى, علاقه ها را به آنان نثار كنيم.

قرآن, از دل هاى وارونه, دل هاى آلوده, دل هاى سفت و خشن, دل هاى نرم و خاشع, دل هاى متكبر, دل هاى با ايمان و اطمينان, دل هاى شيفته خدا, دل هاى گرويده به كافران و دشمنان, دل هايى كه شيطان آنها را وسوسه مى كند, دل هاى شيفته دنيا و ماديّات, دل هاى عاشق خدا و رسول و… ياد مى كند. به جاست كه بر دل هاى خود و آنچه بر آنها وارد مى شود و جاى مى گيرد, نظارت داشته باشيم.

ابعاد موضوع محبت

محبت, دوستى و مهرورزى, عرصه هاى متفاوتى دارند, از قبيل:

الف) تأثير محبت بر اصلاح رفتارى انسان ها و بهره گيرى از شيوه محبت در ايجاد رفتارهاى خوب و تغيير اخلاق در ديگران.

ب) آثار و پيامدهاى بد مهرورزى به كسانى كه نالايق اند, يا موضوعاتى كه بى ارزشند, يا محبوب هايى كه از بين رفته اند, و دل سپردن به محبوب هاى ابدى و ماندگار.

ج) انسان هايى كه از راه توجه به الگوهاى شايسته, راه كمال را در پيش گرفته و به خودسازى رسيده اند; همچون ياران پيامبران, اصحاب ائمّه و انسان هاى تربيت شده در مكتب انبيا.

د) محبت به اهل بيت, سفارشى كه به اين موضوع شده است, ثواب و آثار و بركات آن در دنيا و آخرت, و نجات بخشى اين محبت در دشوارى هاى قيامت و علم برزخ.

ه) دوستى هاى صالح و ناصالح, دوستان خوب و بد و واقعى و دروغين و شناخت ويژگى هاى آنان بر اساس آيات و روايات و گفتار بزرگان و سروده هاى شاعران و آنچه در حكايت ها و حكمت هاى گذشتگان آمده است.

و) عوامل تقويت كننده دوستى ها و تحكيم كننده رابطه هاى قلبى و بررسى عواملى كه دل ها را از هم دور مى كند و فاصله, كينه و دشمنى ايجاد مى نمايد.

ز) بررسى اين كه چه كسانى با پيامبر و ائمّه و اولياى الهى دوست بودند, دوستان ويژه آنان چه خصوصيت هايى داشته اند و چگونه به اين دوستى ها رسيده اند.

ح) چگونه مى توان مهر و محبت انسان هاى شايسته و اولياى الهى را در دل كودكان و نوجوانان ايجاد كرد و آنان را از گرايش به الگوهاى نامناسب باز داشت؟ نقش پدرها و مادرها و اوليا و مربّيان و رسانه هاى جمعى و كانون هاى فرهنگى و مراكز اثر گذار در اين زمينه ها چيست؟

ط) ارزش محبت و دوستى و احسان و نيكى به ديگران, مردم دوستى و نوع دوستى از نگاه دين و متون مذهبى.

پايان كلام را سخنى از شهيد مطهرى قرار مى دهيم كه در باره ابراز دوستى به ديگران مى نويسد: (آن خويى كه معيار انسانيت است, محبت است, انسان دوستى است و مادر همه خوى هاى خوب ديگر, محبت است. پس اگر كسى خُلق و خُويش بر اساس انسان دوستى بود و انسان دوست بود, انسان است. به سرنوشت ديگران همان قدر انديشيدن كه به سرنوشت خود و بلكه به سرنوشت ديگران بيشتر از سرنوشت خود انديشيدن, در منطق دين, اسم اين را ايثار مى گذارند… اول حرفى كه در معيار انسانيت مطرح است, انسان دوستى است. انسان اخلاقى يا انسان بالاتر, انسان فراتر, انسانى است كه انسان دوست باشد. )6

محورهاى پژوهش:

1 ـ محبت و دوستى در قرآن و حديث.

2 ـ با چه كسانى دوستى كنيم؟

3 ـ نقش پدر و مادر در انتخاب دوست.

4 ـ نقش اوليا و مربيان در انتخاب دوست.

5 ـ چه كنيم تا دوستى هايمان پايدار بماند؟

6 ـ آثار و فوايد محبت به اهل بيت پيامبر(صلى الله عليه و آله).

7 ـ زيان هاى علاقه به دوستان دروغين و الگوهاى فاسد.

منابع پژوهش:

1 ـ قرآن كريم (واژه هاى حب ّ, مودّت, مصاحبت, رفاقت, الفت و… ).

2 ـ نهج البلاغه و كتاب هاى حديث (واژه هاى فوق).

3 ـ آيين مهرورزى, محمدرضا كاشفى.

4 ـ اينگونه معاشرت كنيم, سيد ابراهيم سيدعلوى.

5 ـ الگوهاى تربيت كودكان و نوجوانان, محمدعلى كريمى نيا.

6 ـ جاذبه و دافعه على$, شهيد مطهرى.

7 ـ عشق برتر, جواد محدثى.

8 ـ انسان كامل, شهيد مطهرى.

9 ـ مسائل نوجوانان و جوانان, محمد خدايارى فرد.

10 ـ كودك از نظر وراثت و تربيت, محمدتقى فلسفى.

11 ـ جوان از نظر عقل و احساسات, محمدتقى فلسفى.

12 ـ عشق در ادب فارسى, ارژنگ مدى.

13 ـ دوستى و دوستان, سيدهادى مدرّسى.

14 ـ آيين دوست يابى, ديل كارنگى, ترجمه مهرداد مهرين.

15 ـ چهل حديث دوستى, محمود شريفى.

16 ـ جوانان از ديدگاه امام خمينى( تبيان, دفتر شانزدهم).

17 ـ قصه دلبرى و دلدادگى, نادعلى صالحى.

پى نوشت ها:

1ـ مرتضى مطهرى, جاذبه و دافعه على$, ص 40.

2ـ كليّات سعدى, ص 715.

3ـ شورى (42) آيه 23.

4ـ بلوغ (از سرى چه مى دانم؟) ص 57.

5ـ ناصرالدين صاحب الزمانى, ديباچه اى بر رهبرى, ص 69.

6ـ مرتضى مطهرى, گفتارهاى معنوى, ص 215 (مقاله معيار انسانيت).